



بعثت پیامبر اکرم (ص) تحولی عظیم در تاریخ بشریت

بعثت پیامبر اکرم (ص)، نقطه عطفی در تاریخ بشریت است که تحولات شگرفی را به همراه داشت.

بعثت پیامبر اکرم (ص)، نقطه عطفی در تاریخ بشریت است که تحولات شگرفی را به همراه داشت. این رویداد الهی، با ارمغان آوردن پیام توحید و عدالت، تاریکی جهل و ظلمت را از دل انسان ها زدود و راه را برای شکوفایی استعدادها و توانایی های بشر هموار ساخت.

همان گونه که امیرالمؤمنین علی (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه می فرمایند، بعثت پیامبر خاتم (ص) تکمیل کننده ی دین و اتمام بخشنده ی نعمت الهی بر بندگان بود.

حضرت زهرا (س) نیز بر این نکته تأکید دارند که بعثت پیامبر (ص) برای اتمام امر خدا و اجرای احکام الهی صورت گرفته است. این رویداد بزرگ، نه تنها به ابعاد فردی انسان می پردازد، بلکه بر ابعاد اجتماعی و تاریخی آن نیز تأکید دارد و تحولات عظیمی را در ساختار جوامع بشری ایجاد کرده است.

در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف بعثت، از جمله ارتباط آن با فطرت، تحولات تاریخی، اخلاق و معنویت پرداخته خواهد شد تا اهمیت و جایگاه این رویداد در تاریخ بشریت روشن تر شود.

سوره علق و سوره مدثر در آغازبعثت

سوره علق، نخستین سوره ای است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و نقطه ی عطفی در تاریخ بشریت است. این سوره کوتاه اما پر محتوا، بر اهمیت علم و آفرینش انسان تأکید می کند.

در آیات نخستین این سوره، خداوند به پیامبر فرمان می دهد تا بخواند و به مردم بیاموزد. این فرمان، آغازگر رسالتی عظیم بود که پیامبر اکرم (ص) بر دوش گرفت. همچنین، تأکید بر آفرینش انسان از نطفه، نشان از عظمت خلقت و اهمیت انسان در نزد خداوند دارد.

جبرئیل (یکی از چهار فرشته مقرب الهی و مأمور ابلاغ وحی از جانب پروردگار به پیامبران) به سوی ایشان نازل شد. او بازوی پیامبر را گرفت و تکان داد و گفت: ای محمد بخوان. پیامبر فرمود: چه بخوانم؟ جبرئیل آیات آغازین سوره علق را از جانب خداوند نازل نمود:

قَرَأْ يَاسْمُ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ : بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ : همان کس که rlm& انسان را از خون بسته rlm& ای خلق کرد.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ: بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ : همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ: و به انسان آنچه را نمی rlm& دانست یاد داد. (1)

همراه اولین نزول وحی و در لحظه بعثت، حوادثی بزرگ اتفاق افتاد که از آن جمله می توان به شنیده شدن صدای ناله ای اشاره نمود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می گوید: "صدای ناله شیطان را در هنگام نزول اولین وحی به آن حضرت شنیدم. عرضه داشتم: "یا رسول الله این ناله چیست؟"

فرمود: "این شیطان است که از اطاعت شدن مأیوس و ناامید شده و چنین به ناله در آمده است." سپس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اضافه فرمود: "تو می شنوی آنچه را من می شنوم و می بینی آنچه را که من می بینم الا اینکه تو مقام نبوت نداری و فقط وزیر و کمک کار من هستی و از راه خیر جدا نمی شوی."

يَا أَيُّهَا الْمَدِينُ: به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی ای جامه برخود پوشیده! اِقْمِ قَائِرُ: برخیز و بیم ده، وَرَبِّكَ فَكَيْفَ: و پروردگارت را بزرگ دار، وَتَيَّابِكَ قَطْرُ: و جامه ات را پاک کن، وَالرَّجَزَ قَاهِجُ: و از پلیدی دور شو(2)

سوره مدثر، سوره ای دیگر است که در ابتدای رسالت پیامبر نازل شده است. این سوره، پیامبر را به بیداری و انجام رسالت الهی فرا می خواند. خداوند در این سوره، پیامبر را به پاکیزگی نفس و دوری از پلیدی ها سفارش می کند. همچنین، به پیامبر فرمان می دهد تا با صبر و شکیبایی در راه خدا قدم بردارد. تاکید بر صبر و استقامت در این سوره، نشان از اهمیت این ویژگی در انجام رسالت الهی دارد.

بعثت ریشه در فطرت و شکوفایی تاریخ

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و اگر در آنچه ما بر بنده خود [محمد (صلی الله علیه و آله)] نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن رابیاورید، و [برای این کار] غیر از خدا، شاهدان و گواهان خود را [از فصحا و بُلغای بزرگ عرب به یاری] فرا خوانید، اگر [در گفتار خود که این قرآن ساخته بشر است نه وحی الهی] راستگویید. (3)

بعثت پیامبر اکرم (ص) رویدادی است که فطرت انسان را بیدار می کند، تاریخ را متحول می کند، انسان را به شکرگزاری از نعمت های الهی دعوت می کند و دستورات الهی را برای هدایت انسان به ارمغان می آورد. با توجه به آیه به 5 موضع اشاره می کنیم

1. دستورات پیامبر، دستورات خدا و یادآور فطرت بشر

دستورات پیامبر اکرم (ص) در واقع دستورات خداوند هستند که از طریق وحی به پیامبر ابلاغ شده اند. این دستورات، نه تنها برای هدایت انسان به سوی کمال و سعادت فردی و اجتماعی است، بلکه بازتابی از فطرت پاک انسان نیز هستند.

فطرت، سرشت پاک و خدایی انسان است که او را به سوی خیر و کمال سوق می دهد. دستورات دینی، در واقع بیدارکننده این فطرت و راهنمای انسان برای رسیدن به کمال است. آیه شریفه "جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ" به این معناست که قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) یادآوری و تذکری از سوی پروردگار برای هدایت انسان به سوی سعادت است.

2. پیامبران برخاسته از مردم و با مردم هستند

پیامبران از میان مردم برمی خیزند و با زبان و فرهنگ مردم با آنها سخن می گویند. این ویژگی باعث می شود که مردم ارتباط عمیق تری با پیامبران برقرار کنند و پیام آنها را بهتر درک کنند. آیه شریفه "رَجُلٌ مِنْكُمْ" به این معناست که پیامبر از جنس خود شماست و از میان شما برخاسته است. این ویژگی باعث می شود که مردم به پیامبر اعتماد کنند و به او اقتدا کنند.

3. تحولات تاریخی و اجتماعی، تحت اراده و مشیت خداوند

تمام تحولات تاریخی و اجتماعی تحت اراده و مشیت الهی رخ می دهند. خداوند به عنوان خالق و مالک همه چیز، بر همه امور عالم مسلط است و بر اساس حکمت خود، حوادث تاریخی را رقم می زند.

آیه شریفه "جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ..." به این معناست که خداوند انسان ها را جانشین خود در زمین قرار داده است و آنها مسئول اعمال و رفتار خود هستند. اما این مسئولیت در چارچوب مشیت الهی است.

4. توانایی جسمی، نعمتی الهی برای خدمت به خلق

توانایی های جسمی و قدرت بدنی، نعمت های الهی هستند که باید در راه صحیح و برای خدمت به خلق استفاده شوند. انسان باید از این توانایی ها برای کمک به دیگران و ساختن جامعه ای بهتر بهره ببرد.

آیه شریفه "زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَادْكُرُوا" به این معناست که خداوند به انسان ها نعمت های فراوانی داده است و از آنها خواسته است که این نعمت ها را به یاد داشته باشند و از آنها در راه درست استفاده کنند.

5. یاد نعمت های الهی، رمز رستگاری

یادآوری نعمت های خداوند، یکی از مهم ترین عوامل سعادت و رستگاری انسان است. وقتی انسان به نعمت های الهی فکر می کند، احساس شکرگزاری و محبت نسبت به خداوند در او تقویت می شود. این محبت باعث می شود که انسان به فرمان های خداوند عمل کند و از گناه دوری کند.

آیه شریفه "فَادْكُرُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" به این معناست که اگر انسان نعمت های خداوند را به یاد داشته باشد، به سعادت خواهد رسید. زیرا یادآوری نعمت ها، عشق و محبت به خداوند را در دل انسان ایجاد می کند و این عشق و محبت، باعث اطاعت از او

می شود و اطاعت نیز به سعادت می انجامد.

در مجموع، این پنج موضوع به طور خلاصه به برخی از مهم ترین مفاهیم اسلامی اشاره دارند که با بعثت پیامبر اکرم (ص) ارتباط مستقیم دارند. این مفاهیم شامل اهمیت دستورات الهی، نقش پیامبران در هدایت انسان، اراده و مشیت الهی در تحولات تاریخی، استفاده صحیح از نعمت های الهی و اهمیت شکرگزاری هستند.

بعثت در کلام حضرت علی علیه السلام

در اولین خطبه نهج¹؛ البلاغه، امیر مؤمنان علی علیه السلام² درباره بعثت پیامبر خاتم می³ فرماید: پس هر چند گاه پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق⁴ آلتست بگذارند،

و نعمت فراموش کرده را به یاد آورند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بیفزوزند تا به آیت های خدا چشم دوزند؛ از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده اند و از چه چیز می⁵ میرند و ناپاینده اند⁶، و بیماری های پیرکننده و بلاهای پیایی رسنده.

و هیچ گاه نبود که خدا آفریدگان را بی⁷ پیامبر بدارد، یا کتابی در دسترس آنان نگذارد، یا حجتی بر آنان نگمارد، یا از نشان دادن راه راست دریغ دارد. تا آنکه خدای سبحان محمد، صلی⁸ الله⁹ علیه و آله¹⁰، را پیامبری داد تا دور رسالت را به پایان رساند و وعده حق را به وفا مقرون گرداند، طومار نبوت او به مهر پیامبران مهور و نشانه¹¹ های او در کتاب آنان مذکور، و مقدم او بر همه مبارک و موجب سرور؛ حالی که مردم زمین، هر دسته به کیشی گردن نهاده بودند، و هر گروه پی خواهشی افتاده، و در خدمت آیینی ایستاده؛ یا خدا را همانند آفریدگان دانسته، یا صفی که سزای او نیست بدو بسته، یا به بتی پیوسته و از خدا گسسته. پروردگار آنان را بدو از گمراهی به رستگاری کشاند و از تاریکی نادانی رهاند. (4)

بعثت در کلام حضرت زهرا علیها السلام

سخنرانی حضرت فاطمه سلام الله علیها در مسجدالنبی پس از واقعه ی شوم سقیفه، از گوهر بارترین میراث های حدیثی شیعه شناخته می شود. این سخنان که به بهانه ی غصب فدک انجام شد، حاوی معارف توحیدی، فلسفه ی رسالت نبی مکرم اسلام، بیان مسئولیت سنگین مهاجران و انصار در قبال کتاب و سنت، ویژگی های قرآن، بیان فلسفه ی برخی احکام و حدود الله، لزوم ایجاد وحدت در جامعه اسلامی و دوری از تفرقه و نفاق، ذیل پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حضرت زهرا سلام الله علیها در فرازی از این سخنان، درباره ی فلسفه ی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **إِنِّي بَعَثْتُ اللَّهَ إِمَامًا لِّأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْنَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِفْعَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ؛** خداوند او را برانگیخت تا امر خود را کامل کند و عزمی برای اجرای حکم خود داشته باشد و تقدیرات رحمت خود را به انجام رساند.»

در این فراز، یکی از فلسفه های بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «اتمام امر خدا» معرفی می شود. اما مهم ترین امر خدا چیست که باید توسط خاتم الانبیاء و برترین رسول خدا به اتمام برسد؟ شاید پاسخ آن در آیه اکمال در آیه ی سوم سوره مائده نهفته باشد. شأن نزول این آیه، ماجرای غدیر و انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان امام و وصی نبی است. خداوند می فرماید:

«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ یعنی امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند بنابراین از آن ها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پذیرفتم...» از این جهت «اتمام امر خداوند» به وسیله ی پیامبر اسلام، به معنای کامل کردن دین و «اتمام نعمت خدا» بر خلائق است

با مرور احادیث مربوط به آیه 3 سوره مائده، می توان به وضوح دریافت که خداوند به واسطه ی انتخاب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و خاندان پاک ایشان، دین را به کمال رسانده و نعمت خود را بر خلائق به اتمام رسانیده است.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: **«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»**، یعنی دین را با نصب و ولایت امیرالمؤمنین به عنوان حافظ دین کامل کردم. خداوند به این وسیله نه تنها نعمت خود را به پایان رسانید، بلکه با تسلیم شما در برابر اوامر ما، دین را برای شما به گونه ای قرار داد که در آن رضایت الهی نهفته باشد. این به معنای آن است که تسلیم در برابر ولایت و رهبری الهی، زمینه ساز رضایت و کمال دین است(5).

نوای نخستین وحی در غار حرا

به عقیده اکثر علمای شیعه، بعثت حضرت رسول(ص) در روز دوشنبه بیست و هفتم ماه رجب سال چهلّم عام الفیل، پنج سال پس از تجدید بنای کعبه، و بیستمین سال حکومت خسرو پرویز بر ایران، در حالی که نبی اکرم(ص) در این هنگام، چهل سال داشتند، اتفاق افتاده است. در این روز حضرت رسول اکرم(ص)، طبق رسم خویش چند روزی بود که برای عبادت و تفکر به غار حرا آمده بود.(6)

غار حراء واقع در قله «کوه نور»، از معروف ترین کوه های مکه و با ارتفاع ۲۰۰ متر در دو فرسنگی شهر مکه و در شمال شرقی آن واقع شده است. این محل از زمان های دور، مکانی مقدس و محل اعتکاف انسان های حقیقت جو و روشن ضمیری بوده است که به (حُتّفا) شهرت داشتند.

در روز بیست و هفتم ماه رجب بود که جبرئیل (یکی از چهار فرشته مقرب الهی و مأمور ابلاغ وحی از جانب پروردگار به پیامبران) به سوی ایشان نازل شد.

او بازوی پیامبر را گرفت و تکان داد و گفت: ای محمد بخوان! پیامبر فرمود: چه بخوانم؟ جبرئیل آیات آغازین سوره علق را از جانب خداوند نازل نمود.(7)

يَسْمُ اللّٰهُ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمَ اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْاَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان بخوان به نام پروردگارت که بیافرید.

آدمی را از علقه بیافرید. بخوان و پروردگار تو ارجمندترین است. خدایی که به وسیله قلم آموزش داد و به آدمی آنچه را که نمی دانست، آموخت.

همراه اولین نزول وحی و در لحظه بعثت، حوادثی بزرگ اتفاق افتاد که از آن جمله می توان به شنیده شدن صدای ناله ای اشاره نمود.

حضرت علی(ع) در این باره می فرماید: وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَبَّ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ! قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ(ص)! مَا هَذِهِ الرَّتَّةُ؟ من صدای ناله شیطان را در هنگام نزول اولین وحی به آن حضرت(ع) شنیدم. عرضه داشتم: یا رسول الله(ص) این ناله چیست؟

حضرت(ص) فرمود: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ؛ این شیطان است که از اطاعت شدن مأیوس و ناامید شده و چنین به ناله در آمده است.

سپس رسول اکرم(ص) خطاب به امام علی(ع) فرمود: اِنَّكَ تَسْمَعُ مَا اسْمَعُ وَ تَرَى مَا اَرَى، اِلَّا اِنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ! وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَاِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ؛ همانا تو می شنوی آنچه را من می شنوم و می بینی آنچه را که من می بینم الا اینکه تو مقام نبوت نداری و فقط وزیر و کمک کار من هستی و به راه خیر می روی.(8)

و نیز در روایتی آمده است که امام باقر(ع) فرمود: رَبِّ اِبْلِيسَ اَرْبَعَ رَّغَاتٍ: يَوْمَ لَعِنَ وَ حِينَ اُهْطِطَ اِلَى الْاَرْضِ وَ حِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ(ص) وَ يَوْمَ الْقَدِيرِ؛ ابلیس چهار بار ناله سر زد: روزی که لعن شد، روزی که به زمین آمد، روز بعثت پیغمبر گرامی(ص)، روز غدیر! (9)

همان طور که قبلاً نیز بیان شد، حضرت علی(ع) در مواقع مختلف از جمله در دوران خلوت گزینی های پیامبر اکرم(ص) همراه حضرت(ص) بوده اند و این سخن امام علی(ع) در نهج البلاغه نیز به طور خاصی بیان می دارد که ایشان در لحظه نزول اولین وحی، در کنار پیامبر(ع) حضور داشته اند.

البته مطالعات تاریخی بیان می نماید که تنها شخصی که در آن لحظات، پیامبر(ص) را همراهی نموده، امام علی(ع) بود و احدی جز ایشان، ادعای همراهی رسول اکرم(ص) در آن لحظات را ننموده است.

جبرئیل پس از انجام وظیفه خود و ابلاغ آیات الهی، بار دیگر به آسمان بازگشت. اهداف بعثت و برانگیخته شدن حضرت نبی اکرم(ص) به مقام رسالت و نبوت، دعوت به یکتا پرستی و قیام برای برپایی عدالت و مبارزه با جهل و خرافه پرستی، تقویت و ارتقای سطح اندیشه و تفکر، برداشتن اختلافات از میان مردم، و تلاوت آیات و احکام الهی برای مردم بود.

پس بعثت پیامبر اکرم(ص) آغازگر دوران جدیدی در تاریخ بشریت بود و نقش مهمی در شکل گیری تمدن اسلامی ایفا کرد. حضور

حضرت علی (ع) در این رویداد، اهمیت ویژه ای به آن بخشیده و بر جایگاه والای ایشان در اسلام تأکید دارد.

اتمام مکارم اخلاقی منوط به بعثت

در تبیین رابطه دوسویه اخلاق و بعثت قابل ذکر است همان طور که بعثت برای اتمام مکارم اخلاقی است مکارم اخلاقی نیز برای تحقق نیازمند بعثت است که از این موضوع با عنوان رابطه دین و اخلاق یاد شده و نظرات متعددی در این خصوص بیان شده است (10)

به دو دیدگاه کلی اشاره می گردد. دیدگاه اول پس از رنسانس و شکست کلیسا به طور جدی توسط برخی از فلاسفه غرب مطرح گردید که به اخلاق سکولاریسمی مشهور بوده و به استقلال کامل اخلاق از دین معتقد است.

با روی گردانی مردم از دین و گرایش به انسان مداری (اومانیزم) کم کم این فکر به وجود آمد که می توان اخلاق را جدای از دین مطرح کرد. این فکر به تدریج قوت گرفت تا این که در قرن های اخیر به طور رسمی اخلاق منهای خدا را مطرح کردند (11)

اخلاق سکولاریسمی هرگونه مرجعیت دینی را رد کرده و با دنیوی و شخصی دانستن اخلاق، ارتباط آن با سعادت اخروی را انکار می کند. دیدگاه دوم مربوط به جوامع دینی خصوصاً جهان اسلام است که به وابستگی کامل اخلاق به دین و بعثت معتقد است. (12)

در این دیدگاه دو قسم اخلاق مطرح است: اخلاق بشری و اخلاق الهی. اخلاق بشری مبتنی بر تحسین و یا تقبیح عموم مردم بوده و از عقل جمعی بهره می برد.

در حالی که اخلاق الهی ریشه آسمانی داشته و مبتنی بر وحی الهی است که به عنوان پایه اخلاق بشری محسوب می شود. این قسم از اخلاق هم در قوانین و الزامات و هم در تأمین ضمانت اجرایی تحقق نظام ارزشی اخلاقی نیازمند به دین و وحی است. (13)

برگمون از دانشمندان الهی غرب از این دو قسم اخلاق با عنوان های اخلاق طبیعی و اخلاق الهی یاد کرده و معتقد است اخلاق طبیعی و دنیوی، به دلیل مصالح اجتماعی و عمومی و حفظ جامعه وضع شده؛ درحالی که اخلاق الهی که مقتضای نفوس قدسیه است، مربوط به جاذبه ای است که از عالم بالا می رسد. (14)

نمایشمندان مسلمان نیز از دو قسم اخلاق با عنوان های محاسن اخلاقی و مکارم اخلاقی یاد کرده و معتقدند «محاسن اخلاقی» امری بشری و دنیوی بوده درحالی که «مکارم اخلاقی» امری الهی و آسمانی بوده و مبتنی بر وحی است. در این دیدگاه محاسن اخلاقی همان «من» و مکارم اخلاق «من برتر» است. (15)

لذا محاسن اخلاقی آن دسته از دستورات اخلاقی را شامل می شود که به روابط اجتماعی و جلب منافع مادی و چگونگی معاشرت با دیگران مربوط است و موجب بهبود زندگی دنیوی می شود؛ درحالی که مکارم اخلاقی شامل اخلاقیاتی است که معیار انسانیت بوده و از بزرگواری و طبع بالا و تعالی روحی و معنوی انسان حکایت می کند (16) و غایت آن تخلق به اخلاق الله است.

به باور این گروه رسیدن به محاسن اخلاقی و اخلاق اجتماعی کم و بیش برای انسان ها میسر بوده ولی رسیدن به مکارم اخلاقی به سبب آسمانی و غیربشری بودن امکان پذیر نیست مگر به واسطه وحی و راهنمایی پیامبر؛ چون بسیاری از اصول و روش هایی که حکما برای رسیدن به سعادت و کمال معرفی کرده اند.

فاقد استحکام لازم بوده و به سبب مصون نبودن از خطا و اشتباه و مبتنی بودن بر اصول و قواعدی که فهم و عمل به آن برای همگان امکان پذیر نیست، غیرقابل اطمینان بوده و به همین جهت اصول و اخلاقی که حکما تدوین کرده اند را نمی توان اخلاق واقعی و زمینه ساز سعادت و کمال انسان دانست.

درحالی که اصول اخلاقی تدوین شده از سوی انبیاء به سبب چند ویژگی اساسی ازجمله سازگاری با فطرت انسان، منشاء و حیانی داشتن و خطاناپذیر و معصومانه بودن و قابل عمل بودن برای همگان، می تواند سعادت واقعی را تضمین نماید. (17)

بنابراین شرط اساسی دستیابی به مکارم اخلاقی در این دیدگاه، استعانت از تعالیم آسمانی و راهنمایی انبیا بوده و اتمام این مکارم نیز به واسطه خاتم پیامبر قابل تحقق است. (18)

رعایت کامل اعتدال قوا موقوف به بعثت

تحقق سعادت بشری منوط است به کمال و صحت نفس. کمال و صحت نفس به سبب اعتدال قوا قابل تحقق است. لذا تحقق سعادت بشری منوط است به اعتدال قوا. شناخت اعتدال قوا و رعایت آن از دشوارترین کارها و امری غیرمقدور برای بشر است. لذا شناخت عدالت موقوف است به تعلیم الهی که به بعثت انبیا و وضع شرایع قابل حصول است.

عدالت از مباحث بسیار اساسی تاریخ بشری است که ارسطو از آن با عنوان فضیلت کامل یاد کرده و در رأس فضایی می داند که تحقق بخش سعادت بشری است. (19)

اندیشمندان مسلمان نیز عدالت را به عنوان تمام فضیلت دانسته (20) و شناخت صحیح آن و آگاهی کامل از کارکرد آن را تضمین بخش سعادت می دانند.

ارسطو در تعریفی عدالت را دوری از افراط و تفریط دانسته (21) و اندیشمندان مسلمان نیز اعتدال یا فضیلت را استعمال مناسب قوا از نظر کمی و کیفی دانسته و معتقدند هیأت حاصل از اعتدال سه قوه، «عدالت»؛ افراط آن ها، «ظلم» و تفریط آن ها، «پذیرش ظلم یا انضلام» است. (22).

براساس این دیدگاه برای رسیدن به فضایل اخلاقی باید هریک از قوای سه گانه نفس در حد متوسط و اعتدال قرار گیرند؛ زیرا جایگاه عدالت در سلامت نفس همانند جایگاه نمک است در سلامت جسم. همان طور که برای رسیدن به صحت و قوت جسمانی باید انواع غذاها به واسطه نمک گوارا گردند، برای رسیدن به کمال و صحت نفس نیز ضروری است که فضایل اخلاقی به واسطه عدالت صلاح یابند. (23)

علی رغم اهمیت و ضرورت عدالت در تحقق کمال نفس و رسیدن به سعادت تام، شناخت حدود آن و اعمال اندازه آن، دشوارترین و سخت ترین امر به حساب آمده و در توصیف آن بیان شده است: «حدّ عدالت باریک ترین حدود و دشوارترین آن هاست، زیرا آن حدّ از دو طرف محصور به افراط و تفریط است و کمتر انسانی از گرفتاری در یکی از آن دو در امان است و هر دوی آنها راه جهنم است.» (24)

لذا برای مصونیت از رذایل و گرفتاری در جهنم، رعایت توسط در جمیع افعال و عدم میل به طرف افراط یا تفریط امری ضروری بوده و این موقوف است به دانستن تأثیر و مقدار تأثیر هر فعلی و خلقی در نفس به حیث کمیت و کیفیت و این مقدور بشر نیست بلکه موقوف است به تعلیم الهی که به بعثت انبیا و وضع شریعت ها و قوانین الهیه حاصل تواند شد.

پس حصول ملکه عدالت و تهذیب اخلاق موقوف باشد به وجود انبیا و هدایت ایشان و اندازه اعمال چه به حسب فعل و چه به حسب ترک حاصل نتواند شد الا به اخذ از انبیاء(ص) و از اینجاست که ابن سینا در رساله اخلاق، بعد از تفصیل انواع فضائل بیان می دارد: «وَأَمَّا تَقْدِيرُ هَذِهِ الْفَضَائِلِ وَتَحْدِيدُهَا فَمُسْتَفَادٌ مِنْ أَرْبَابِ الْمَلَلِ.» (25)

به همین سبب خداوند پیامبران خصوصاً نبی اکرم(ص) که مظهر تمامی صفات الهی به شیوه استوا بوده و همانند خط استوا در اقالیم وجود است (26) را فرستاد تا با اقامه قسط و عدل، (27) تهذیب اخلاق نفوس ناطقه و تحصیل ملکه عدالت در طبایع بشریه را میسر سازد. (28)

نور بعثت و روشنایی دل ها

نبوت و بعثت انبیا، برای اصلاح قلب مردم بوده است. مردم ممکن است عقل خود را از علم پُر کنند، اما به قول شاعران قدیم، دزدی از آب درآید که با چراغ به زندگی مردم بزند.

اگر عقل درستی نباشد و اگر قلب با واقعیات الهی کنترل نشود، عقل با علم به خنجر تیزی تبدیل خواهد شد که از پشت به هر کسی می زند. نبوت تنها بر علم تکیه ندارد. قرآن می فرماید:

« وَمَا يَعْزِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ » (29) ولی جز اهل معرفت و دانش در آنها تعزّل نمی کنند. در جای دیگر می فرماید: « يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ » (30)

روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد ، * مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبایث] به پیشگاه خدا بیاورد. یکی از عقل های پر قدرت که ضررش از حیوانات شرور برای بشر بدتر بوده است، در سوره اعراف و جمعه از دانشمند زمان بنی اسرائیل که

قلب خود را کنترل نمی کردند، به سگ هار تعبیر می کند.

« قَمَثْلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ » (31) پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم بری ، زبان از کام بیرون می آورد ، و اگر به حال خودش واگذاری [باز هم] زبان از کام بیرون می آورد .

آیا کسانی که از زمان فتحعلی شاه تا بهمن 57 کشور را به باد دادند، بی سوادهای این مملکت بودند؟ سیصد سال در این کشور قرارداد استعماری امضا شد و قراردادها هم در ایران و هم در انگلستان است، قراردادها را هم یا مهندسان یا دکترها امضا کرده اند. در تمام دوره حکومت قاجار، فقط چند نفر قرارداد را امضا نکردند؟

یکی قائم مقام فراهانی، چه قدر حاکم بوده است؟ یکی میرزا تقی خان امیر کبیر و دیگری هم شهید شیخ فضل الله نوری و در این اواخر هم در چند دوره مجلس، سید حسن مدرس بود، اما کسی که از همه قوی تر در برابر گرگ استعمار ایستاد، رهبر کبیر انقلاب بود.

بعثت و اعجاز قرآن شاهی بر ضرورت نبوت خاتم ابوعلی سینا می گوید: سازنده جهان برای رساندن هر موجودی به کمال ممکن خود، همه گونه وسایل لازم را در اختیار آنان گذارده و در این راه کوچکترین مضایقه ای نکرده . احتیاج به بعثت پیامبران در بقاء نوع انسان و تحصیل کمالات وجودی او از روئیدن موهای مژه و ابرو و فرو رفتگی های کف پا و امثال این ، که برای ادامه حیات انسان چندان هم ضروری نیست، مسلماً بیشتر است، بنابراین ممکن نیست عنایت ازلی خداوند آن منافع جزئی بدنی را ایجاد کرده باشد و این نیاز اساسی را بی جواب و مسکوت گذارده باشد.

معجزه ، عاملی است در جهت صدق ارتباط پیامبران با خالق هستی و عامل اتمام حجت است برای مردم، به همین جهت ضرورتاً هر پیامبری دارای معجزه می باشد

قرآن می فرماید: « وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ » (32)؛ یعنی: اگر در معجزه بودن آنچه بر بنده ما نازل شده شک دارید، سوره ای به مانند آن بیاورید. چرا که یا به واقع او پیامبر است و این آیات را از طرف خدا برای شما آورده، و یا پیامبر نیست.

و با استعداد های بشری اش این آیات را برای شما آورده. که در حالت دوم یعنی از آن جهت که بشر است این آیات را آورده، پس شما هم که بشر هستید، مسلم اگر همه شما جمع شوید می توانید یک سوره مثل سوره های این قرآن بیاورید و اگر نمی توانید، معلوم می شود که او از جنبه بشری اش به چنین توانایی نرسیده، پس پیامبر خدا است.

قرآن از نظر هندسه کلمات نه سابقه دارد و نه لاحق، دارای آهنگی خاص با پذیرش مفاهیم معنوی و بدون تکلف و تصنع است، معلوم نیست الفاظ تابع معانی است و یا معانی تابع الفاظ. و در زمانی به صحنه آمد و مبارز طلبید که اوج تکامل فصاحت عرب بود .

حتی سخن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و حضرت علی(علیه السلام) در عین فصاحت، اصلاً شکل و هندسه قرآن را ندارد، و این مبارزه طلبی هنوز هم به قوت خود باقی است.

هنوز کسی نیامده بگوید؛ قبل از قرآن چنین کلماتی به این شکل خاص در فلان کتاب بوده است، همچنان که کسی نیامده بگوید؛ من مثل آن را آورده ام و اتفاقاً هرچقدر انسان فصیح تر باشد بیشتر متوجه می شود که فصاحت قرآن از نوع فصاحت بشر نیست. همچنان که جادوگران متوجه شدند کار حضرت موسی(علیه السلام) از نوع سحر نیست.

از نظر غلو معنی و محتوی : بی گمان مطمئن ترین راه برای شناخت حقیقت قرآن، رجوع به متن قرآن و تأمل در توصیف ها و تعبیرهای کتاب آسمانی درباره خود می باشد، توصیف هایی از قبیل «هُدًى لِلنَّاسِ»، «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ»، «تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»، «حکیم» و «فرقان» نشان می دهد، اینکه می فرماید: اگر می توانید مثل آن را بیاورید، یعنی آن چیز مثل از حیث هدایت گری و آوردن معارف هدایت گر و از حیث مطالب حکمت آمیز ،همسنگ قرآن باشد و بشر را به آوردن چنین اندیشه هایی در حد قرآن دعوت می کند.

جامعیت و کمال قرآن بدین معنی است که قرآن مجید تمامی مواد و مصالح علمی رسیدن انسان به سعادت فردی و اجتماعی را

دارا است و با معارف خود رابطه انسان با «خدا»، «ود»، «انسان های دیگر» و با «جهان» را تبیین می کند.

و همه این معارف دارای سطوح و لایه های متکثر هستند و در آن برای هر موضوعی بطن ها وجود دارد. در پایین ترین سطح با مردم عادی صحبت می کند و هرچه مخاطب خود را دقیق بیابد، بطنی از بطون خود را برای او می گشاید. وقتی در قرآن تدبیر کنیم متوجه می شویم آوردن این حد از معانی بلند و با این کلمات اصلاً حد بشر نیست.

احیای تمدن بشری، شاخص ترین تأثیر بعثت نبوی
شاخص ترین تأثیر بعثت نبوی بر تمدن بشری همانا احیای آن به نفخ روح معنویت و پرستش خدا و پرهیز از بت هوا و صنم سیاست باطل و وثن تکاثر است. عدل، آزادی و امنیت که اصلی ترین حقوق بشر است در حراج زورمداران و تاراج زراندوزان بوده و هست، هر جا پیام آسمانی توحید و صلاهی الهی کوثرخواهی رسید، مهر و صلح حاکم شد و هر جا محروم از بلوغ فروغ هدایت نبوی شد قهر و جنگ سیطره پیدا کرد.

راز چنان موفقیتی که برای بعثت مطرح است این است که در مکتب وحی، انسان در تمام شئون علمی و عملی، فردی و جمعی خود مسئول است و تمام اعمال وی محفوظ و محسوب می شود و تنها چیزی که بشر با آن درگیر است رخداد سهمگین مرگ است و در آموزه های دینی کاملاً ثابت شد که انسان در مصاف با موت پیروز است زیرا وی مرگ را می میراند و از بین می برد و برای ابد زنده می ماند زیرا تعبیر لطیف قرآن کریم این است ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (33)

هر کسی مرگ را می چشد، نه آنکه هر کسی را مرگ بچشد و چون هر ذائق مذوق خود را هضم نموده و آن را از بین می برد پس انسان مرگ را تبدیل به زندگی کرده و نابودی را نابود می نماید و همیشگی خواهد شد، بنابراین مرگ از پوست دنیا به درآمدن است نه پوشیدن و هجرت است نه رخوت و افسردگی. وقتی موت به صورت هجرت و میلاد جدید تفسیر شد هر خردمندی به فکر تحصیل ره توشه جهان ابد خود خواهد بود. جان جامد را روان نمی نامند بلکه روح پویا و رونده را روان نامند. بهترین زادراهی که فراهم می شود تقواست ﴿تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (34)

نتیجه:

1- بعثت پیامبر اکرم (ص) نه تنها دین را کامل کرد و نعمت الهی را بر بندگان تمام نمود، بلکه تحولی عظیم در ابعاد فردی و اجتماعی انسان ایجاد کرد و مسیر تاریخ بشر را به کلی تغییر داد.

2- سوره های علق و مدثر به عنوان اولین سوره های نازل شده، بر اهمیت علم، آفرینش انسان و وظایف پیامبر تاکید دارند و آغازگر رسالتی عظیم بودند.

3- دستورات الهی با فطرت پاک انسان همخوانی کامل دارد و بعثت، این فطرت را بیدار کرده و انسان را به سوی کمال و سعادت هدایت می کند.

4- تمام تحولات مهم تاریخی تحت تأثیر اراده الهی و بعثت پیامبران بوده است و انسان ها به عنوان خلیفه الله در زمین مسئول اعمال خود هستند.

5- بعثت با تاکید بر مکارم اخلاقی، به ویژه عدالت و اعتدال، به دنبال ایجاد جامعه ای آرمانی و سعادت مند است.

6- بعثت با ارائه تعالیم نورانی قرآن، دل های انسان ها را روشن کرده و آن ها را به سوی شناخت حقیقت هدایت می کند.

7- قرآن کریم با فصاحت، بلاغت و جامعیت بی نظیر خود، معجزه ای است که تا ابد برای بشریت باقی خواهد ماند.

8- بعثت با احیای ارزش های انسانی مانند عدالت، آزادی و برابری، به جامعه بشری حیات بخشیده است.

9- بعثت، انسان را به سوی کمال نفس و رسیدن به سعادت ابدی هدایت می کند و عدالت را به عنوان مهم ترین عامل این کمال معرفی می کند.

10- دستورات الهی که در قرآن و سنت آمده است، بهترین راهنما برای زندگی سعادت مندانه در دنیا و آخرت است.

پی نوشت ها:

1. آیات 1 تا 5 سوره علق
2. آیات 1 تا 5 سوره مدثر
3. آیه 23 سوره بقره
4. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج rlm&البلاغه، ص ۶ - ۷
5. تفسیر اهل بیت علیهم السلام: ذیل آیه 3 سوره مائده
6. بحارالانوار مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۹۰
7. البداية و النهاية ابن کثیر، ج ۲، ص ۷۱۳ و مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۴۱
8. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.
9. بحارالانوار مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۴۲
10. طوسی، محمد بن محمد، 1369، اوصاف الأشراف، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
11. مصباح یزدی، 1376: 195
12. فناپی، 1384: 31
13. مطهری، 1387: 118
14. فروغی، ۱۳۶۷: 3 / 183
15. بهشتی، 1381: 3 / 19
16. احمدی، 1382: 64 / 55
17. محمدی گیلانی، 1378: 43
18. محمدی گیلانی، 1378: 43
19. ارسطو. بی تا: 2 / 60
20. ابن مسکویه، بی تا: 128
21. ارسطو، بی تا: 2 / 55
22. غزالی، بی تا: 8 / 98
23. کاشانی، 1379: 478
24. ابن میثم بحرانی، 1999: 3041.
25. حزین لاهیجی، 1375: 66
26. صدرالمتالهین، 1387: 41
27. حدید / 25
28. فیاض لاهیجی، 1383: 678.
29. عنکبوت (29) : 43.
30. شعراء (26) : 88 - 89 .
31. اعراف (7) : 176 .
32. آیه 23 سوره بقره
33. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.
34. سوره بقره، آیه ۱۹۷.

منابع:

- http://shamsa.ir/ziyarat/interview/2022-1391-17-41-05-28-03بعثت پیامبر
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/09/12/3211421>
- <https://www.ziaossalehin.ir/fa/content/2556>
- <https://www.ziaossalehin.ir/fa/content/6756>
- <https://www.ziaossalehin.ir/fa/content/2400>
- <https://hawzah.net/fa/Article/View/109010>
- <http://pajoohe.ir>اهداف بعثت پیامبر اکرم صلی الله
- <https://wiki.ahlolbait.com>آیه 69 سوره اعراف
- <https://alefbalib.com/Metadata/243862>
- <http://alvahy.com>آیه ۳ - سوره بقره

راسخون